

## خلاصه کتاب "درآمدی بر روانشناسی زبان" دکتر ضیا حسینی

### فصل ۱ و ۲

**تعریف:** علم روانشناسی زبان نحوه پردازش زبان را بررسی میکند و هدف این علم آنست که معلوم کند ارتباط میان گوینده و شنونده یا نویسنده و خواننده چگونه برقرار میشود. تمرکز روانشناسی زبان روی کاربرد زبان است و مواد خام لازم برای بررسی عبارتند از آنچه گوینده به زبان می آورد و نویسنده بر روی کاغذ مینویسد. روانشناسان زبان میخواهند بدانند برای تولید زبان چه فعل و انفعالاتی داخل ذهن گوینده رخ میدهد.

اولین گام ها در راستای روانشناسی زبان با تحقیقات فودر و بیور در سال 1965 میلادی آغاز شد. این تحقیق بدین صورت بود که جملاتی را بروی نوار ضبط کرده و سپس صداهایی شبیه به تیک به آن اضافه کردند. این تیک ها در جاهای مختلفی از جمله ضبط شده بود اما نتیجه این بود که شنوندگان فقط صدای تیک هایی را میشنوند که در حد فاصل سازه ها ضبط شده بود. از این آزمایش این مورد اثبات شد که واحد دریافت کننده سخن سازه است.

در فصل دوم کتاب به بررسی زبان و گفتار پرداخته میشود و اینکه آیا این خصیصه گفتار مخصوص انسان است و اگر مخصوص انسان است تا چه حد از سایر فعل و انفعالات ذهنی وی متمایز است؟

برای پاسخ به این دو سوال ابتدا ویژگیهای زبان بشری مورد بحث قرار میگیرد.

این ویژگیها عبارتند از: اختیاری بودن - نمادین بودن - نظامند بودن - دو وجهی بودن

**چارلز هاکت** در سال 1963 ویژگیهای زیر را برای زبان اعلام نمود:

مجرا - مختصات معنایی - یادگیری - ساختار - کاربرد

هریک از خصوصیات فوق شامل چند زیر شاخه است که در حقیقت خصوصیات ظریف تری از زبان است:

#### 1- مجرا

- بکار گیری مجرای شنوایی گویایی
- تعویض پذیری: شنونده میتواند گوینده نیز باشد
- بازخورد کامل: گوینده میتواند پیام خود را اصلاح کند.

## 2- مختصات معنایی

- معنادار بودن: نمادها برای ارجاع به نشانه‌ها در جهان بکار میروند. . میز برای همه میزهای جهان میز است
- قراردادی بودن
- نا پیوسته بودن: زبان بر پایه واحدهای مستقل و قابل حرکت واژگان استوار است.
- جابجایی: ارجاع به زمانها و مکانهای دیگر

## 3- یادگیری

- انتقال فرهنگی
- قابلیت یادگیری

## 4- ساختار

- خلاقیت: جملات جدید خلق می‌کنیم
- دوگانگی الگو بندی: واج - تکواژ
- وابستگی ساختاری: همه زبانها سازه سلسله مراتبی دارند.

## 5- کاربرد

- اختیاری بودن
- ویژگی گری: رشته آوایی انسان برای ایجاد ارتباط است
- کاربرد خود جوش: تولید گفتار به قصد قبلی نیازی ندارد.
- نوبت گیری
- دوپهلوی گویی: کنایه
- بازتابی بودن: زبان میتواند برای تفسیر بکار رود.

## ویژگی های نظام ارتباطی حیوانات

- تقلیدی است
- میان واژه و مصداق رابطه ای وجود ندارد
- فقط یک یا دو ویژگی زبانی دارد
- زبان نشانه تفکر است و اگر حیوان زبان داشت میبایستی قادر میبود تا با یک زبان خیلی ساده ارتباط برقرار کند.
- زبان با آنکه خیلی پیچیده است اما کودکان آنرا زود فرا میگیرند

از موارد فوق به پاسخ سوال اول میرسیم که زبان فقط مخصوص انسان است اما دانشمندان بسیاری کوشیدند تا به حیوانات نیز زبان بیاموزند اما در این کار اصلا موفق نبودند. آنها برای آزمایشات خود شامپازده ها را برگزیدند.

## اهمیت یادگیری زبان توسط شامپازده ها چه بود؟

کودک در بدو تولد توانایی ذاتی برای زبان آموزی دارد که این را به اصطلاح UG یا دستور زبانی گوئیم که براساس آن انسان قادر است الگوهای نهادین تمامی زبانها را کشف کند. اگر شامپازده هم میتواندست مقوله های معنایی را به درستی تشخیص داده و با ترتیب واژگانی صحیح بکار برد میتوان ادعا کرد که به اصول حاکم بر زبان دسترسی دارد.

## پیدایش زبان

نظریات مختلفی در این زمینه وجود دارد. از آن جمله:

- 1- تکامل مغز و جسم:** انسان بعنوان موجودی اجتماعی به یک وسیله ارتباطی پیشرفته نیاز دارد
- 2- تکامل زبان:** همراه با پیشرفت اجتماعی انسان زبان وی نیز پیشرفت کرد.
- 3- جهش بزرگ:** زبان در اثر یک جهش اتفاقی در مغز انسان شکل گرفت.

## نظریات دانشمندان در این باره یعنی پیدایش زبان

- 1- **اولبیک 1998 Ulbeak** : زبان نتیجه شناخت حیوانی است نه ارتباط میان حیوانات پس یک پدیده مستمر است.
- 2- **سوسور** : پیش از زبان هیچ چیز مشخص نبود و انسان هیچ اندیشه ای نداشت.
- 3- **منزل Menzel**: میمونها درک عمیقی از محیط زندگی خود دارند. آنها حتی ابزار سازی میکنند.
- 4- **پاسینگهام**: پستانداران از طریق تقلید می آموزند.
- 5- **ویتن – بایرن**: تقلب و جعل تحت عنوان تقلید و پنهان کاری در دنیای حیوانات وجود دارد.

نقش زیستی زبان Biological Function : ارزش زبان برای بقای جانداران

نوع دوستی Reciprocal Altruism : بر خلاف نظریه داروین انسان میتواند به دیگران کمک کند و انتظار داشته باشد که آنها نیز به او کمک خواهند کرد.

آخرین حلقه میان انسان و میمون پستانداری شبیه میمون بود و بعد از آن دو گروه انسان و میمون از هم جدا شدند. انسان با تغییراتی مثل روی دو پا راه رفتن ، آزاد شدن دستها، تغییر در نقش انگشت شصت، قطبی شدن مغز ، غلبه بر آتش، ابزار سازی و... توانست در محیط اطرافش تغییر ایجاد کند اما میمون خود را با محیط اطرافش وفق داد.

## فصل سوم و چهارم

### فصل سوم: ساختار مغز

مغز انسان شامل قسمتهای زیر است. در جلوی هر کدام خلاصه کار آن قسمت آورده شده است:

- 1- سطح بیرونی cortex : تجزیه و تحلیل و کنترل حرکات ماهیچه ای و ارتباط با دانش پیشین
- 2- زیر قشری sub- cortex : حرکات بازتابی ، کنترل تنفس و ضربان قلب
- 3- مخچه cerebellum: حرکات عضلانی غیر ارادی

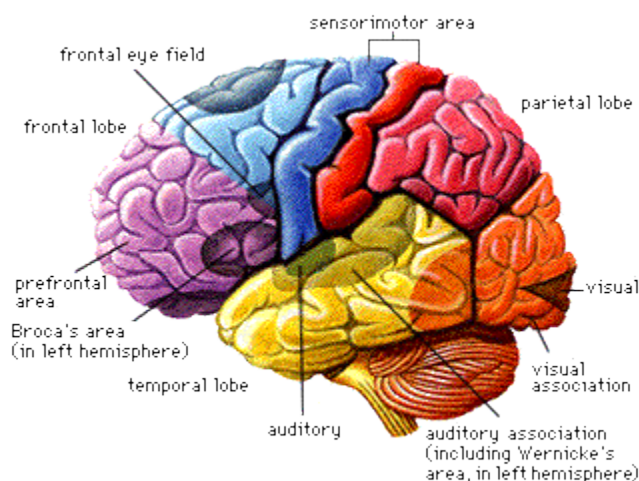
- 4- جسم پینه ای corpus collosum: بافت عصبی بین دو نیمکره مغز را گوئیم.
- 5- نیم کره چپ: تجزیه و تحلیل و نماد سازی و کنترل حرکات و احساسات طرف راست بدن
- 6- نیم کره راست: تجزیه و تحلیل و نماد سازی و کنترل حرکات و احساسات طرف چپ بدن

در رویه خارجی مغز شیارها sulci و برآمدگی‌های gyri وجود دارد که این شیارها و برآمدگی‌ها به چهار lobe تقسیم میشوند:

لب پیشانی - لب گیجگاهی - لب پس سری - لب آهیانه

تفاوت مغز انسان و سایر پستانداران

- 1- قشر مخ در مغز انسان وسیعتر است.
- 2- بخش عظیمی از مغز انسان به کنترل حرکات دهان و زبان و آرواره اختصاص دارد.
- 3- نسبت اندازه مخچه به مغز در انسان بزرگتر است.
- 4- قشر مخ بر روی حرکان حنجره کنترل زیادی دارد.



نارسایی های زبانی

این نارسایی‌ها به دو دسته عمده تقسیم میشوند: **الف**) نارسایی‌هایی که ریشه زبانی دارند **ب**) نارسایی‌هایی که مربوط به رابطه زبان و شناخت است.

لکنت زبان:

لکنت زبان میتواند شامل تکرار واج، سیلاب یا واژه و یا طولانی کردن یک واج باشد و علت آن گرفتگی در جریان هوا است

واژه پریشی:

این نارسایی به دو گونه آوایی و صوری وجود دارد. در حالت آوایی کودک نمی‌تواند قواعد حاکم بر ارتباط میان صورت واژه و آوای آنرا در ذهن بسازد و در حالت صوری کودک توانایی لازم برای درک واژه‌های هموزن (مثل خار و خوار) را ندارد.

نارسایی Down و درون‌گرایی Autism

این دو نارسایی رابطه میان زبان و شناخت را نشان میدهد. این دو نارسایی بر چند گونه هستند:

اختلال ویژه زبانی Specific Language Impairment: هیچگونه اختلالی در کودک مشاهده نمی‌شود اما به اندازه همسالان خود از توانایی زبانی برخوردار نیست.

ویلیامز Williams: در این نوع از نارسایی زبانی کودک از لحاظ زبانی بسیار توانا است اما در تجزیه و تحلیل پردازش‌های سطح درونمایه زبان مشکل دارند. یعنی اختلال ذهنی دارد اما زبانش کامل است.

سیوانت Savant: نابسامانی‌های شدید ذهنی دارند اما از استعداد‌های ویژه‌ای در امور دیگر مثل نقاشی یا موسیقی بهره‌مند هستند.

## فصل چهارم: فراگیری زبان اول

در مورد فراگیری زبان اول سه فرضیه غالب و اصلی وجود دارد:

### 1- فرضیه فطری گرای

فراگیری زبان اول با وجود یک موهبت الهی مقدور است. فطری گرایان این دانش ذاتی در فراگیری زبان را LAD نامیدند.

### 2- فرضیه محیط گرای

آنها بر این باورند که فطرت انسان هیچ گونه توانایی ندارد مگر اینکه خمیره فطرت با نیروی محیط و تجربه شکل پذیرد.

رفتارگرایان از همین مکتب هستند.

### 3- فرضیه پردازش توزیع شده موازی

آنها بر این عقیده هستند که یادگیری فرآیندی است که از ضعف و قدرت روابط میان شبکه پیچیده سلولهای مغزی در اثر تکرار انگیزشها حاصل میشود. اینها برای موهبت فطری زبان هیچ ارزشی قائل نیستند.

اما در نهایت **فرضیه کنش متقابل** مطرح شد که بر طبق آن هم عوامل محیطی و هم موهبتهای فطری را در یادگیری زبان دخیل میداند. تحقیقات گیوون Givon و گروه زیسا Zisa در همین ارتباط است.

## فصل پنجم: روانشناسی و زبان

هدف از روانشناسی زبان مرتبط با دو مهارت شنیدن و سخن گفتن است در راستای سه هدف کلی زیر:

1- انسان چگونه میشنود، درک میکند و به خاطر میسپارد؟

- 2- چگونه گفته هایش را بیان میکند؟
- 3- کودک برا یادگیری گفتگو (تولید گفتاری + درک شنیداری) چه مسیری را طی میکند؟

### درک رابطه ساختار زبان و چگونگی پردازش گفتگو

برای ساختار یک جمله سه نکته باید لحاظ شود:

- 1- ساختار = نقش زبان
- 2- نقش = توصیف مفهومی که جمله قرار است انتقال دهد و به ساختار وابسته است.
- 3- فرآیند = توصیف ابزارها ، مواد لازم و فعل و انفعالات ذهنی که انسان برای تولید و درک گفتار بکار میبرد.

به این مثال توجه کنید:

سربازان جوان تازه نفس ارتش صدام را شکست دادند.

جمله فوق چهار نکته را بیان میکند که به آنها گزاره Preposition گوئیم. گزاره یک واحد معنایی است. گزاره های این جمله عبارتند از: سربازان جوان بودند - سربازان تازه نفس بودند - ارتش متعلق به صدام بود - سربازان این ارتش را شکست دادند.

هر گزاره دارای یک واحد فعلی و یک یا چند اسم است که یک رفتار یا حالت ساده مربوط به واحد فعلی خود را توصیف میکند.

با توجه به مطالب فوق پس میتوان نتیجه گرفت که سخن گفتن یعنی مفهوم را به آوا تبدیل کردن به بیان دیگر ژرف ساخت را به روساخت تبدیل کردن را گفتار گوئیم.

اگر ترتیب گزاره ها در جمله تغییر کند میتواند باعث تفاوت معنی گردد. به مثال بالا با ترتیب دیگر گزاره ها توجه کنید:

سربازان تازه نفسی که ارتش صدام را شکست دادند جوان بودند.

ترکیب گزاره ها در زبان بر اساس قواعد منظم زبانها و برای رعایت اصل اختصار در زبان است.



ترکیب گزاره ها از طرق زیر انجام میگیرد:

**همپایه سازی Coordination:** مفاهیم را به هم وصل میکند --- سربازان جوان و ارتش متعلق به صدام بود

**موصول سازی Relativization:** مفاهیم را توصیف میکند ---- سربازان تازه نفس جوان بودند

**متمم سازی Complementization:** مفاهیم را جایگزین میکند --- اینکه مریم در مهمانی شرکت کرد کار خوبی بود

جمله مبهم Ambiguous: جمله ها به واسطه ترکیب گزاره ها و کوتاه سازی روساخت مبهم میشوند.

**نقش زبان:** نقش اساسی زبان ارتباط است بر پایه سه عرهر گوینده، شنونده و نظام نشانه ای زبان. اما نقشهای اصلی زبان عبارتند از:

1- کنش کلامی speech act: گوینده میخواهد نیتی را از طریق گفتارش به شنونده منتقل سازد.

2- محتوای گزاره ای Propositional Content: گفتار گوینده میبایستی انتقال دهنده تفکر شنونده درباره موضوع باشد.

3- ساخت درونمایه ای Thematic Structure: گوینده در زمان ایجاد ارتباط باید تصویری از ذهنیت شنونده داشته باشد.

### ساخت درونمایه ای دارای سه نقش است:

- اطلاعات قدیم و جدید: گوینده جمله خود را متناسب دانش شنونده بیان میکند.
- مبتدا و خبر: قبل از مراجعه به دانش زبانی خود انسان تصمیم میگیرد که در باره چه چیز و چه کس سخن بگوید.
- زمینه و نکته افزوده: زمینه برای آماده سازی شنونده و در جریان قرار دادن وی بیان میشود و نکته افزوده آن مطلبی است که قرار است انتقال یابد.
- خیلی دیر فهمیدم که رامین مرا دوست دارد. ( خیلی دیر فهمیدم: زمینه -- رامین مرا دوست دارد: نکته افزوده)

## پردازش زبان

به این جمله دقت کنید: رامین درخت را برید

این جمله به لحاظ ساختار شامل مبتدا، خبر، مفعول بی واسطه، اسم، فعل و گزاره است. و از لحاظ نقش دارای کنش کلامی مربوط به بیان حقیقت در حالت اخباری است.

فعالیت‌های ذهنی دو گونه بررسی میشوند: (1) از طریق پاسخهایی که در شرایط ویژه بدست می‌آید

(2) مدت زمان دریافت این پاسخها

زمان پاسخ دادن نشانگر فعالیتی است که ذهن برای تولید یا درک گفتار هزینه میکند.

### فصل ششم: ادراک Comprehension

#### ادراک در طی دو مرحله در ذهن آدمی اجرا میشود: معنا سازی و فرآیند اجرا.

وقتی شنونده جمله ای را می‌شنود ابتدا واژه‌ها و ترتیب آنها و گروه واژه‌ها را شناسایی میکند و اینکار برای رسیدن به معنا یا تعبیر جمله است. پس از این شنونده بر اساس برداشت خود از بیان گوینده اقدام به انجام کاری برابر نیت گوینده میکند که به آن فرآیند اجرا گویند.

پس موقعیت گفتار و شرایط بین طرفین سخن در پی بردن به نیت گوینده، شنوده را یاری میدهد. برای رسیدن به معنی شنونده میبایستی به ژرف ساخت جمله گوینده برسد.

در فصل قبل گفتیم که گزاره یک واحد فعلی است با یک یا چند واحد اسمی که واحد فعلی آن اسمها را توصیف میکند. مثلا در "رامین کتاب را به مریم داد" واحد فعلی دادن است که دارای گزاره دادن است و واحدهای اسمی آن مریم و رامین کتاب هستند. در حقیقت تفاوت گزاره با جمله در اینست که گزاره واحد زمان ندارد.

#### شنونده در چهار مرحله از روساخت به ژرف ساخت جمله که منظور اصلی گوینده است میرسد:

1- سخن خام را دریافت میکند و آنرا در حافظه فعلی خود نگاه میدارد.

2- نمود آوایی را به گروه واژه‌ها (سازه‌های معنی دار) Constituents تبدیل میکند.

3- با شناسایی گروه واژه ها گزاره های آنها را میسازد.

4- وقتی گزاره ها را ساخت آنها در حافظه کوتاه مدتش نگه میدارد و نمود آوایی را از حافظه کوتاه مدت خود بیرون میکند. با این کار ساختار آوایی واژگان از ذهن خارج شده و فقط معنای آنها میماند.

شنونده با پردازش گروه واژه ها به معنا میرسد و گروه واژه که سازه معنی دار است **واحد دریافت کننده سخن برای شنونده است.**

### شیوه های معنا سازی

دو شیوه برای معنا سازی وجود دارد: شیوه نحوی - شیوه معنایی

اساس شیوه نحوی راهبردهایی است که شنونده با کمک آنها سازه را در جمله شناسایی میکند. اما شیوه معنایی یعنی اینکه وقتی دو نفر با هم صحبت میکنند شنونده بتواند حرف گوینده را حدس بزند.

انسان برای معنا سازی از هر دو شیوه به صورت همزمان استفاده میکند. اما میزان بهره گیری از هر شیوه بستگی به متن سخن و میزان دانش پیشینه ای مشترک طرفین دارد.

### برای درک جملات مبهم نظریات زیر وجود دارد:

1- **نظریه راه باغچه:** یا نظریه یک معنایی - بر طبق این نظریه شنونده یک معنا را برای آنچه میشوند میسازد و اگر این معنا با ادامه جمله در تقابل بود به معنای دیگری رجوع میکند.

2- **نظریه چند معنایی:** شنونده از جمله مبهم بیش از یک معنا میسازد اما بر پایه گفتگو معنای مناسب را انتخاب میکند.

3- **نظریه بی معنایی:** شنونده از جمله مبهم هیچ معنایی برداشت نمیکند تا اینکه بافت سخن یکی از معنا ها را نمایان میکند.

4- **نظریه آمیخته:** یعنی شنونده چند معنا برای جمله مبهم می سازد و سپس یکی را بر اساس بافت سخن انتخاب میکند و اگر بخش پایانی کلام با آن در تضاد بود معنای مناسب را بر اساس **روساخت جمله** واره قبلی میسازد.

[www.Salimilinguist.ir](http://www.Salimilinguist.ir)